

پنج نفری که قبل از خلقت حضرت آدم

حضور داشتند

قبل از خلقت حضرت آدم، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به صورت نورهایی خلق شده بودند که خداوند را تسبیح می نمودند.

نور وجود **انسان کامل** قبل از جهان خلقت آفریده شده است. غایت خلقت عالم و آدم، انسان کامل است. همه عالم خلقت، طفیل وجود پر برکت انسان کامل است. بنابر این گرچه غایت آفرینش عالم و آدم، وجود نازنین **انسان کامل** است، ولی به عنوان طفیل وجود او خداوند، عالم و آدم را نیز فیض وجود داده است. (۱) وجود پیامبر و اهلیت او واسطه فیض وجود و همه کمالات وجود اند.

روایات فراوانی در مورد خلقت پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، قبل از خلقت حضرت آدم (ع) مطرح شده‌اند و بیان نموده‌اند که وجود این پنج تن، به صورت جسمانی نبوده بلکه انواری بوده‌اند که خداوند متعال را تسبیح می کردند. و آدم و نوح و ابراهیم و موسی و... در حوادث شدید و خطرناک پنج تن آل عبا علیهم السلام را در درگاه خداوند واسطه قرار می دادند.

اشاره به خلقت اهل بیت (ع) قبل از حضرت آدم (ع) در منابع اهل سنت

این مسأله صرفاً عقیده ای شیعی نیست بلکه در منابعی از اهل سنت نیز، به این موضوع اشاره شده است. برخی از اشارات اهل سنت به خلقت اهل بیت (ع) به این شرح است:

۱. نبی اکرم (ص) فرمود: «كنت نبيا و آدم بين الماء و الطين: «من نبی بودم آنگاه که آدم بین آب و خاک بود.» (۲)

۲. حضرت محمد (ص) فرمودند: «أول ما خلق الله نوري»، «اول چیزی که خدا آفرید نور من بود.» (۳)

۴. پیامبر (ص) فرمودند: «إني عند الله لخاتم النبيين و إن آدم لمجدل في طينته»، «من در نزد خدا خاتم النبيين بودم در حالی که آدم افتاده در طینت خود بود.» (۴)

۵. نبی اکرم (ص) فرمودند: «كان الناس من شجر شتى، و كنت انا و علی من شجرة واحدة»، «مردم همه از درخت دیگری هستند ولی من و علی از درخت واحدی هستیم.» (۵)

احادیثی از معصومین (ع)، درباره خلقت پنج تن (ع) قبل از خلقت حضرت آدم (ع)

هم چنین در احادیثی، موضوع خلقت اهل بیت پیش از حضرت آدم (ع) بیان شده که برخی از آنان اشاره می‌نماییم:

۱. در حدیثی رسول اکرم (ص) خطاب به ابن مسعود فرمودند: «خداوند من و علی (ع) را هزار سال قبل از آنکه سایر خلایق را بیافریند، از نور عظمت و بزرگی خود، زمانی که هیچ تسبیح و تقدیسی وجود نداشت خلق کرد. پس نور مرا شکافت و از نور من آسمانها و زمین را آفرید. به خدای تبارک و تعالی قسم که من از آسمانها و زمین برترم، و چون نور علی (ع) را منتشر ساخت، عرش و کرسی از نور او خلق گردید؛ به پروردگار قسم که علی (ع) از عرش و کرسی افضل است؛ سپس نور حسن (ع) را باز کرد و لوح و قلم از نور حسن (ع) به وجود آمد و به خدا قسم که حسن (ع) از لوح و قلم نیز برتر است؛ و چون هستی را از نور حسین (ع) معطر کرد، بهشت و حوربان زیباروی از نور او پدیدار گشتند؛ واللّٰه حسین (ع) از حورالعین برتر است. سپس همه هستی از شرق تا به غرب تاریک ماند. ملائکه بر پروردگار از آن

همه تاریکی و ظلمت شکایت کردند و خواستند که پروردگار تاریکی را از ایشان برطرف کند، که پروردگار در اجابت خواسته آنان کلمه‌ای فرمود و از آن کلمه روحی خلق گردید، سپس کلمه‌ای دیگر فرمود و از آن کلمه نوری خلق شد، پس آن نور را به آن روح اضافه کرد و آن را در بلندترین مکان عرش قرار داد. همه ی عالم از شرق تا به غرب نورانی شد. آن روح آمیخته به نور خلق شده از لطف پروردگار کسی نیست، جز فاطمه زهرا (ع) و به همین دلیل او را زهرا (ع) نامیدند زیرا نورش آسمانها را روشن ساخت. (۶)

۲. امام باقر (ع) به جابر فرمودند: «ای جابر! خداوند بود و هیچ چیز غیر از او نبود و هیچ پیدا و ناپیدایی وجود نداشت، سپس اولین خلقتی را که آغاز کرد این بود که محمد (ص) را خلق نمود و ما اهل بیت (ع) را همراه وی از نور و عظمت او آفرید.» (۷)

۳. از امام باقر (ع) نقل است که فرمودند: «همانا خداوند سبحان در وحدانیتش تنها بود، سپس به کلمه‌ای تکلم کرد و آن کلمه تبدیل به نور شد. سپس از آن نور محمد و علی و عترتش (ع) را خلق کرد. سپس به کلمه‌ای تکلم کرد و آن کلمه تبدیل به روح شد، و آن کلمه را در آن نور ساکن کرد و آن روح را در بدن های ما ساکن فرمود؛ پس ما روح الله و کلمه الله هستیم که به وسیله ما خداوند از خلقت پنهان شده است. زمانی که خورشیدی نبود و ماهی نبود و چشمی نبود که بر هم زده شود.» (۸)

۴. از امام جواد (ع) روایت شده که حضرت فرمودند: ای محمد (ابن سنان) همانا خداوند تبارک و تعالی، دائماً به واسطه وحدانیتش تنها بوده، سپس محمد و علی و فاطمه (س) را خلق نمود. پس هزار دوران مکث کردند، سپس همه اشیاء را خلق نمود و آنها را شاهد خلقت جمیع اشیاء قرار داد. (۹)



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان
مرکز آموزشی پژوهشی و درمانی کوثر
معاونت آموزشی و پژوهشی
کتابخانه

عظمت پنج نور

خمسه طیبه



گردآوری و تدوین: س. کاشیان
کارشناس علم اطلاعات و دانش شناسی
آبان ۱۳۹۸

پی نوشت:

۱. امین صادقی، پیامبر اعظم در نگاه عرفانی امام خمینی، نشر موسسه آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۱۳.
۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۶، صفحه ۵۲۵
۳. ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۴۵
۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۱۲۷
۵. لسان المیزان، ابن حجر، ج ۱، ص ۱۸۰
۶. حارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۰، ص ۴۳
۷. بحارالأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۷
۸. حارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۳
۹. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۴، ص ۱۹۵.
۱۰. دلائل الإمامة، ص ۴۴۸
۱۱. مثنوی معنوی، نشر اقبال، تهران، ۱۳۷۸ ش، دفتر چهار، ص ۵۷۳

منابع:

<https://www.yjc.ir/fa/news/6293876/>

<https://pasokhgoo.ir/node/53628>

<https://article.tebyan.net/256528>

شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگار می‌گردد، در مفهوم وسیع توسل داخل است، و همچنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آنها زیرا همه اینها موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار می‌باشد، حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آنها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد جزء این مفهوم وسیع است.

روایتی از سلمان فارسی

در روایتی، سلمان فارسی از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که پیامبر(ص) به من گفت: «ای سلمان، خداوند مرا از برگزیده نورش خلق کرد و مرا خواند پس او را اجابت کردم، و از نور من، علی را خلق کرد و او را صدا زد و او(علی) او را اطاعت کرد و از نور علی، فاطمه را خلق کرد، پیامبر(ص) به همین ترتیب تا به امام حسین(ع) ادامه دادند و بعد فرمود: «سپس ما را به پنج اسم از اسمای خودش نامید؛ پس خداوند محمود است و من محمد، و خداوند علی است و این هم علی، خداوند فاطر است و این هم فاطمه، خداوند ذوالاحسان است و این حسن و خداوند محسن است و این هم حسین است. پیامبر(ص) در ادامه به سلمان فرمود: «سپس خداوند از ما و از نور حسین، ۹ ائمه را خلق کرد؛ پس آنها را خواند و اطاعت شد. در آن هنگام ساختمان آسمان و گسترش زمین و وجود هوا و ملک و انسان صورت نگرفته و ما انواری بودیم که پروردگار متعال را تسبیح و تقدیس کرده، و فرمان او را شنیده و پیروی می‌کردیم (۱۰)

در کتاب ادریس نبی نام "پنج تن" از زبان

حضرت آدم به این اسامی آمده است: بارقلیطا،

ایلیا، طیطه، شبر، شبیر. یعنی محمد (ص)، علی،

فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام. »

در این رابطه سخن نغز مولوی روشنگر است: ظاهرا آن شاخ اصل میوه است باطنا بهر ثمر شد شاخ هست گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر مصطفی زین گفت کادم و انبیا خلف من باشد در زیر لوا گر به صورت من زادم زاده ام من به معنا جد جد افتاده ام پس ز من زاید در معنا پدر پس ز میوه زاد در معنا شجر (۱۱)